

گزارش وزارت خارجه ایالات متحده در مورد حقوق بشری در افغانستان طی سال ۲۰۰۳

منتشره بیوروی دموکراتی، حقوق بشر و کار

۲۰۰۴ فبروری ۲۵

افغانستان در تأسیس ادارات دموکراتیک و حکومتی به پیشرفت قابل ملاحظه دست یافته است اما در سال دوم مرحله انتقالی بازسازی و احیای مجدد بعد از ۲۳ سال جنگ داخلی در صدر اولویت ها قرار داشته است. مشکلات متعددی هنوز باقیست. حکومت انتقالی اسلامی افغانستان به اداره کشور ادامه داده به کار تسوید یک قانون اساسی جدید اغاز نموده از تشکیلات یک اردوی جدید نظارت نموده و به برآه اندازی انتخابات در سال ۲۰۰۴ اماده گی میگیرد. در جون سال ۲۰۰۳ لویه جرگه اضطراری یا مجمع از نماینده گان مردم از سرتاسر کشور که بر طبق توافقات بن تشکیل گردیده بود حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان را برگزید. رئیس جمهور کرزی بعداً کابینه ۳۰ عضوی را که وسیعاً از اقوام متعدد نماینده گی می کرد و شامل دو زن نیز بود تشکیل داد. اما مراکز عمدۀ ولایتی تحت کنترول قوماندانان باقی ماند. به استثنای یک عدد قابل توجهی بقیه این قوماندانان حکومت کرزی را به صفت یک اداره قانونی مرکزی برسمیت شناختند.

کرزی والیان ۳۲ ولابت افغانستان را مقرر نمود. چوکات سیستم حقوقی و قضائی کشور در موافقتنامه ۲۰۰۱ بن مشخص گردیده بود. قوانین موجوده که در تضاد با موافقتنامه بن قرار نداشته، تعهدات بین المللی کشور و یا ماده های قابل تطبیق قانون اساسی بحال خود باقی ماند. صلاحیت قوه قضائیه در اختیار ستره محکمه قرار داشت. تحت حکومت کرزی حاکمیت قانون در سرتاسر کشور تطبیق میگردید اما در ساحه عمل شناخت حاکمیت قانون مخصوصاً در ساحات خارج از کابل محدود بوده. سیستم قضائی که در دوران اشغال شوروی و جنگ داخلی از هم پاشیده شده در جریان سال بصورت غیر ثابت کار میکرد.

ثبت نام نماینده گان ولسوالی ها غرض انتخابات وکلای لویه جرگه قانون اساسی در اواسط نوامبر تکمیل گردیده انتخابات سرتاسری غرض انتخاب وکلای لویه جرگه قانون اساسی در همه کشور در ماه نوامبر و دسامبر صورت گرفت. با وجود گزارشات حاکی از تهدید ها اکثریت ناظرین مستقل پرسه ثبت نام و انتخابات وکلا را عادلانه و ازاد توصیف نمود. در ماه نوامبر حکومت انتقالی اسلامی افغانستان مسوده قانون اساسی را انتشار داد. در ماه دسامبر ۵۰۲ وکیل لویه جرگه تشکیل جلسه دادند تا منشور جدید را تحت غور قرار دهند. انتخابات ریاست جمهوری برای سال ۲۰۰۴ پلان گردیده است. موافقتنامه بن تصریح میکند که انتخابات باید در جون سال ۲۰۰۴ صورت گیرد که کشور در حال اماده گی به ان قرار دارد. در میان قوای حکومت انتقالی اسلامی افغانستان

پولیس مسؤولیت اساسی تأمین نظم را بعده دارد اما قوماندانان محلی و منطقوی بحد قابل ملاحظه قدرتمند باقی ماندند. زیرا حکومت در وضعیتی قرار نداشت که بر سرتاسر مملکت کنترول داشته باشد. در خارج از پایتخت جنگ های میان ملیشا های وفادار به قوماندانان رقیب که انهم اغلب مقامات رسمی حکومت اند صورت گرفت.

عدم وجود امنیت و ادارات کامل قانونی ثبات و انکشاف کشور را مورد تهدید قرار داد. بتاریخ ۱۱ آگست سازمان ناتو فرماندهی قوای بین المللی مدد امنیت (ایساف) را بعده گرفت که مسؤولیت تأمین امنیت در کابل را بدوش دارد. بتاریخ ۱۳ اکتوبر شورای امنیت ملل متحد مدت خدمت قوای بین المللی امنیت یا ایساف را برای یکسال دیگر تمدید نمود و توسعه ان را به سائر ولایات افغانستان منظور نمود. الی اخیر سال تعداد اعضای فعال اردوی ملی به ۵۳۰۰ نفر می رسید که یکجا با شرکای ائتلافی شان کار میکنند. ظهور مجدد فعالیت طالبان و القاعده مخصوصاً در جنوب و جنوب شرق نگرانی های امنیتی را افزایش داد.

ادارات ملل متحد و سائر مؤسسات غیر حکومتی (NGO) در جریان سال فعالیت های خویش را مؤقتاً معطل و یا محدود ساختند. فعالیت های زراعتی و مالداری در کشور ادامه داشته و حالت مردم در غربت باقی ماند. عاید ناخالص ملی برای ۲۶ میلیون نفوس کشور پایین تر از حد بخور و نمیر قرار داشت. بانک جهانی در یک تخمین رشد اقتصادی طی این سال را ۳۰٪ وامنود ساخت. کشت غیر قانونی کوکنار منبع عمده اقتصادی قرار داشته که بخش اعظم مصارف مالی عملیات نظامی مقامات ولایتی را تأمین میکرد. بر طبق ملل متحد در جریان سال زرع خشخاش تقریباً ۶٪ افزایش یافت. کار های صنعتی اندک و صادرات نیز محدود بود. ۳۶٪ بودجه عادی مملکت از درک محصول داخلی گمرکی تأمین گردید و متباقی ان بشمول بودجه انکشافی مملکت از جانب منابع کمک دهنده بدست امد. در ماه دسامبر کشور اکمال شاهراه کابل-کندهار را تجلیل نمود. بازسازی زیربنای های تخریب شده در سرتاسر کشور به سطوح مختلفه ادامه داشت. ۲۳ سال جنگ و دهه ها فساد اداری و انتظام ناقص زیر بنای کشور را مضمحل ساخته است.

در جریان سال احترام حکومت انتقالی اسلامی افغانستان و افراد مربوطه ان به حقوق بشر افزایش یافت اما مشکلات جدی هنوز باقی بود مخصوصاً اینکه صلاحیت ان در خارج از کابل مورد سؤال قرار داشت. اعضای قوای امنیتی محلی به قتل های عمدی، غیر قانونی و یک سلسله قتل های بدون محاکمه پرداختند و مقامات رسمی در زندان ها و توقيف گاه ها از شکنجه استفاده نمودند. توقيف طولانی قبل از محاکمه نسبت عدم موجودیت امکانات مالی در سیستم قضائی یک معضله باقی مانده است. وضع زندان ها هم چنان خراب بوده است. ازدحام بی حد، مواد غذائی و تسهیلات صحی ناکافی موجب خرابی وضع صحی و حتی مرگ زندانیان گردیده است. حکومت کرزی بصورت عموم ازادی بیان، مطبوعات، اجتماع اتحادیه، مذهب و نقل و حرکت را تأمین نموده اما مشکلات هنوز باقی است.

تقريباً ٦٠ هزار پشتون که در داخل کشور جابجا گردیده اند تا کنون نتوانسته اند به خانه های شان در ولایات شمال برگردند. اين افراد بعد از سقوط طالبان هدف قوماندانان محلی قرار گرفته با قتل، چپاول، تجاوز جنسی و تخریب ملکیت های شان مواجه گردیدند. نگرانی های امنیتی و خشکسالی يك عده مهاجرین را از برگشت به وطن دلسرب ساخت. تشدید و تبعیضات اجتماعی برضد زنان يك مشکل بوده است. زنان و دختران مخصوصاً در خارج از کابل جائیکه نگرانی های امنیتی پیوسته وجود داشته است مورد تجاوز و اختطاف قرار گرفتند. به حقوق بین المللی و شناخته شده کارگران بی توجهی زيادي صورت گرفته و از آن استفاده سوء بعمل می ايد و کار بر اطفال بمثابه معضله باقی ماند. فاچاق انسان نیز يك مشکلی بود. حملات تروریستی و تشدد جدی ادامه داشت. بقاياي طالبان و جنگ سالاران سرکش به تهدید، چپاول و بعضًا مرگ دهاتيان محلی، رقباى سیاسی و زندانیان ادامه داد. در جريان سال سعی بعمل امد تا آنانی را که به سوء استفاده های بزرگ متهم اند به پای عدالت بکشانند.

احترام به حقوق بشر

فصل اول احترام به وقار مردم بشمول

الف: نجات از قتل های عمدى و غير قانونى

با اغاز ورود "عملیات ازادی پایدار" و سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱ پایان بدترین نمونه های تخطی از حقوق بشر که طی ده سال ادامه داشت اغاز گردید، این تخطی ها شامل اعدام های بدون محکمه می گردید. اما با وجود ان نیز جنگ های داخلی بین قوماندانان محلی، فعالیت های مداوم طالبان و القاعده و اعمال جنایتکارانه موجب گردید تا گزارشاتی در مورد قتل های غير قانونی وجود داشته باشد. مليشا ها افراد خارجی و کارمندان مؤسسات غیر دولتی را بصورت غير قانونی هدف قتل قرار دادند. افراد ملکی نیز هنگام جنگ میان قواى عملیات ازادی پایدار و مخالفین از بین رفتند.

در جريان سال دولت انتقالی اسلامی افغانستان در مورد قتل دو نفر از تظاهر کننده گان در کابل توسط پolis تحقیقات نمود که در نتیجه تعداد نامعلومی دستگیر گردیدند. هر چند بعداً به ستره محکمه محول گردید که تا اخیر سال کدام تاریخ محکمه تعین نگردید.

گزارشاتی در مورد مرگ ها حين توقيف وجود داشت. تهدید ها، حملات و قتل ها در جريان لویه جرگه ۲۰۰۲ صورت گرفت. علاوه بر این سازمان دیدبان حقوق بشر یا هیومن رایتس واج تصریح نمود که تعداد زیادی از رهبران نظامی و حزبی، نماینده گان فاقد قدرت را تهدید نموده و

کارمندان اداره امنیت ملی کشور نیز به جاسوسی در مورد وکلا یا نماینده گان پرداخته و ایشان را تهدید می کردند.

منابع حقوق بشر اذعان داشتند که تهدید های سیاسی و تشدد مشکلی را در جریان ثبت نام برای لویه جرگه تشکیل میداد. اما سائر گزارشات بشمول گزارشی که توسط ملل متحد تهیه گردیده بود میرساند که تهدید ها صبغه محلی داشته بر نتایج انتخابات اثری نداشت. در ماه اکتوبر گزارشات سازمان دیدبان حقوق بشر مبنی بر ادعاهای تشدد و تهدید بر ضد نماینده گان لویه جرگه وجود داشت. سازمان متذکره گفت: در بدخشن و غور کاندیدان لویه جرگه از کاندیدی منصرف شدند که قوماندانان بزرگی که مربوط رئیس جمهور سابق برهان الدین بودند بر طبق ادعا گفتند: از کاندید شدن منصرف شوید در غیر این شما را خواهیم کشت و اجسادتان را در دربای کوکچه خواهیم انداخت. الی اخیر سال هیچگونه تحقیق و یا گرفتاری در مورد این ادعاهای صورت نگرفت. بر ضد انانیکه بر طبق گزارشات مسؤول اعدام های بعد از جنگ زندانیان در سال ۲۰۰۱ بودند هیچ گونه اقدامی صورت نگرفت.

در سال ۱۹۹۸ ملل متحده قبرهای دسته جمعی را در مزار شریف دریافت نمود که حاکی از قتل عام جنگجویان طالب در سال ۱۹۹۷ در مزار شریف بود و نشانه های از اعدام های جمعی در آن وجود داشت. الی اخیر سال قتل عام های سال های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ بصورت کامل تحقیق نگردید.

در جریان سال مواردی وجود داشت که طی آن قوای تنظیمی حین جنگ بر ضد حامیان طالبان به قتل افراد ملکی پرداختند. بر علاوه قوای امنیتی و قوای ائتلاف گروه های متعدد بشمول مليشاها و افراد ملکی در سرتاسر کشور مسلح اند. در جریان سال جنگ های میان اقوام رقیب و قوماندانان موجب تلفات عده افراد ملکی گردید. گفته میشود که در اوائل سال یک تعداد نا معلومی از افراد در جنگ میان قوای وفادار به جنرال دوستم و جنرال عطا محمد در شمال کشور بقتل رسیدند. در ماه اکتوبر اتش بسی میان قوای جنرال دوستم و جنرال عطا صورت گرفت که منجر به جمع اوری اسلحه ثقلیه از انان شد.

بر طبق تخمین سازمان صلیب سرخ جهانی از سال ۱۹۹۸ الی اخیر سال جمعاً ۲۰۹۷ افغان در نتیجه انفجار ماین ها کشته و یا مجروح گردیده اند. بر طبق گزارشات مؤسسات غیر دولتی حدود ۴۴ نفر در نتیجه انفجار ماین در ولایات شمالی افغانستان تنها در جریان سال گذشته بقتل رسیده اند.

قوای مخالفین بشمول طالبان، القاعده و افراد مربوط به حزب اسلامی گلبدین حکمتیار در جریان حملات شان تعداد زیادی از افراد ملکی را بقتل رسانیدند. گزارشاتی وجود داشت که جنگجویان طالب و مليشا های متعدد این ها به اعدام های فوری افراد و کارمندان مؤسسات غیر دولتی

پرداختند. حملات بر سازمان غیر دولتی جهانی و همتا های محلی ان بصورت قابل ملاحظه افزایش یافت.

در جریان سال بم گزاری های متعدد وجود داشته است. بگونه مثال بتاریخ اول جولای ۱۷ نفر وقتی مجروح گردیدند که بمی در یک مسجد کندهار منفجر گردید. و ۱۵ نفر هنگامی کشته شدند که بس حامل شان در حوالی کندهار بتاریخ ۱۳ آگوست منفجر شد. هیچ منبعی مسؤولیت این حملات را بعهده نگرفت. علاوه بر این، حملات متعددی بر ضد مؤسسات بین المللی، کارمندان جهانی امداد و بر ضد منافع خارجی و ملی صورت گرفته است.

در ساحات متعدد نسبت عدم موجودیت یک قوای مؤثر پولیس، زیربنای ناقص، عدم موجودیت ارتباط، بی ثباتی و بی امنیتی موجب گردید تا کشتار ها، بم گذاری ها و قتل افراد ملکی مورد بازپرسی قرار نگرفته و کدام تخمين مؤثثی نیز در مورد تعداد تلفات وجود نداشته است.

در قضایای اتی که از سال ۲۰۰۲ باقی مانده بود کدام تحقیق و یا اقدام مزیدی صورت نگرفت:

بم گذاری در مسیر کاروان معاون رئیس جمهور و وزیر دفاع در ماه اپریل که در جریان ان چند نفر بقتل رسیدند. بم گذاری توسط موثر در ماه سپتامبر در کابل که طی ان ۳۵ نفر مقتول گردیدند. و قتل های معاون رئیس جمهور و وزیر فوائد عامه حاجی عبد القدیر و وزیر هوانوردی ملکی داکتر عبد الرحمن که در ماه های جولای و فبروری صورت گرفت.

بر ضد انانیکه گفته میشود مسؤول اعدام زندانیان بعد از جنگ در سال ۲۰۰۱ اند هیچ گونه اقدامی صورت نگرفت.

در جریان سال دولت انتقالی اسلامی افغانستان و قوای همکاری ائتلافی شان سعی نمودند تا انانی را که در جریان ۲۳ سال جنگ داخلی مرتکب تخطی های جدی گردیده اند بمحاکمه بکشانند. کمیسیون مستقل حقوق بشر یک واحد قضائی مؤقت را ایجاد نمود تا قضایای خیلی تازه و جدی را مورد بررسی قرار دهد. تحقیقات در جریان سال نسبت عدم موجودیت منابع مالی و عدم امنیت در کشور بصورت اهسته پیش میرفت.

ب: ناپدید شدن ها

اختطاف ها و ناپدید شدن ها در جریان سال بوقوع پیوست. در ماه جولای حکومت راپوری را مورد تحقیق قرار داد که طبق ان سه نفر پولیس از حوزه مرکزی پولیس در هرات گرفتار گردیده و

بدون کدام اتهامی برای چندین ماه در حبس نگهداشته شدند. کمیسون مستقل حقوق بشر افغانستان ادعا نمود که این سه نفر در جریان بازداشت لت و کوب گردیده اند. درین خصوص مقامات امنیتی هرات مسؤول این ناپدید شدن قلمداد گردیده اند. تحقیقات الی اخیر سال ادامه داشت. گزارشاتی وجود داشت که در ماه دسمبر امان الله خان یک قوماندان محلی در ولسوالی شنیدند، قوماندان فرقه ۲۱ مستقر در شنیدند را اختطاف نمود. تحقیقات الی اخیر سال ادامه داشت. در ماه اگست حکومت به تحقیق در مورد دستگیری، شکنجه و اختطاف ۳ مامور پولیس از زندان پرداخت. آمر قضایی جنائی در هرات گفت زندانیان افراد مشکوک در قاچاق بودند. الی اخیر سال در مورد محل نگهداری سه مامور پولیس هیچ اطلاعی وجود نداشت. الی اخیر سال هیچ فرد مظنونی بجرائم ادعای ناپدید شدن تعداد زیادی از شهود مهم و عینی کشtar زندانیان طالبان در نوامبر ۲۰۰۱ در شمال کشور دستگیر نگردید. گزارشات در مورد اختطاف ها توسط طالبان، مليشا های حلیف شان و تفنگداران کماکان وجود داشت. بگونه مثال تفنگداران در ماه نوامبر در ایوری را که به یک مؤسسه میان پاکی در غزنی کار میکرد اختطاف نمودند. الی اخیر سال در مورد سرنوشت وی هیچ اطلاعی موجود نبود.

بهمن ترتیب سرنوشت اکثر انعدد زنان و دخترانیکه میان سالهای ۱۹۹۸ و ۲۰۰۱ توسط طالبان ربوده شده اند الی اخیر سال مبهم باقی ماند. هم چنان از سرنوشت تعداد زیادی از مردمیکه بنابر دلایل سیاسی در زمان سلطه طالبان دستگیر شده بودند اطلاعی الی اخیر سال وجود نداشت.

ج شکنجه و یا سائر روش های بیرحمانه غیر انسانی توهین امیز و مجازات

قانون اساسی ۱۹۶۴ که توسط موافقنامه بن مرعی الاجرا قرار داده شده بود چنان اعمال را منع قرار داده است. اگرچه در همه کشور بصورت منظم از شکنجه استفاده بعمل نمی امد اما گزارشاتی از تخطی ها در مورد وجود داشته است. چنان پنداشته میشود که یکتعداد مقامات ولایتی در برابر مخالفین شان و زندانیان جنگ از شکنجه کار گرفته اند ولی معلومات دقیقی در مورد وجود ندارد.

در ماه جولای سازمان دیدبان حقوق بشر گزارشی را تحت عنوان "کشن شما برایم خیلی اسان است" به نشر رسانید که در آن نمونه های زیادی از دستگیری، لت و کوب و حبس مردم در برابر پول توسط مليشا های محلی مخصوصاً در نواحی جنوب شرقی کشور ذکر گردیده بود. در گزارش از یک مثالی در جلال اباد تذکر بعمل امده است که در آن شخصی در ماه اپریل گزارش داد که پولیس محلی پسر کاکایش را حین بازداشت لت و کوب کرده است. این باشنده جلال اباد گفت: پسر کاکایش را به بند برق درونته اورده و وی بما گفت که او را در کنار کاسه بند ایستاده نموده او را تهدید نمودند که سندی را امضا نماید که ارتکاب جرم توسط وی را ثابت می سازد. در ماه اگست تحقیقات وزارت داخله در مورد ناپدید شدن ها در هرات نشان داد که در تازه گی ها از

کیبل های برقی در شکنجه کار گرفته شده که در پا ها، گوش و پنجه های زندانیان تماس داده شده بود. سازمان دیدبان حقوق بشر در سال ۲۰۰۲ ادعا نمود که یک عدد از مقامات امنیتی هرات از کیبل های دارای شوک برقی بصورت منظم بروضد زندانیان استفاده میکنند.

سازمان متذکره هم چنان گزارش داد که مقامات امنیتی هرات زندانیان را در حالی لت و کوب میکنند که از پا ها معکوساً اویزان میباشند. در ماه می ۲۰۰۲ قواهی امنیتی مربوط به اسماعیل خان والی هرات شخصی بنام محمد رفیق شهیر را دستگیر نموده و بر طبق گزارشها پولیس رفیق شهیر را بحدی لت و کوب شدید نمودند که اثار شکنجه در بدن وی در جریان لویه جرگه اضطراری سال ۲۰۰۲ نیز بوضاحت مشاهده می شد.

حالت زندان ها هم چنان خراب باقیمانده است. گزارشات از موجودیت یکتعداد زیادی از محابس مخفی و یا غیر رسمی حکایت داشت. زندانیان در اطاق های بسیار مزدحم که سهولت تشناب را نداشت بصورت دسته جمعی بسر میبردند و در مقابل سرمای زمستان محفوظ نبودند.

بر طبق گزارشات زندانیان شکنجه، لت و کوب و در فاقه نگهداری می شدند. بر طبق اظهارات مأمورین رسمی حکومت انتقالی اسلامی افغانستان در زندان شهر کابل در اخیر سال ۶۱۲ محبوس وجود داشت. در ماه مارچ وزارت عدله کنترول زندان هار از وزارت داخله بعده گرفت. یک عدد زیادی از مؤسسات غیر دولتی اذعان داشتند که این تغییر موجب بهبود شرایط زندان بعد از سقوط طالبان خواهد شد. در ماه می سازمان عفو بین المللی گزارش داد که در مزار شریف ۲۰ زندانی در یک اطاق نگهداری میشوند در حالیکه ان اطاقها فقط برای ۶ نفر ساخته شده اند. در سال ۲۰۰۲ داکتران حقوق بشر از شرایط تأسف بار در محبس شبرغان گزارش دادند. داکتران متذکره دریافتند که زندانیان در اطاق های مزدحم بسر برده، تشناب های صحی ندارند، در مقابل سرمای زمستان محفوظ نیستند، غذاي کافی ندارند و از تسهیلات طبی برای ۳۵۰۰ زندانی خبری نیست. امراضی چون اسهالات، سینه بغل و زردی بصورت عام شیوع یافته بود. بر طبق اظهارات داکتران حقوق بشر اطاق های محبس شبرغان غرض نگهداری ۱۰ الی ۱۵ زندانی ساخته شده اند اما ان ها از ۸۰ الی ۱۱۰ زندانی را در جریان سال در ان نگهداری می کردند. دولت انتقالی اسلامی افغانستان بکمک ملل متحده و سازمان های غیر دولتی تلاش نمود تا زندان ها را بازسازی نموده و بر طبق شرایط انسانی اماده سازد. بعنوان مثال کمیسون مستقل حقوق بشر یک اداره شکایات را در وزارت عدله گشود و ۸ کمیسون متشکل از ادارات مختلفه را موظف ساخت تا در ماه اپریل از زندان ها بازدید نموده و شرایط آن ها را بررسی نمایند. علاوه بر این در ماه می وزیر عدله یک کنفرانس کشور های کمک کننده را دائز نمود تا روی موضوع انتقال زندانیان از محابس ولایات به محبس پلچرخی بحث کنند. درین محبس دو تعمیر تحت بازسازی قرار داشت اما الی اخیر سال کدام زندانی انتقال نگردید.

یک تعداد از رهبران منطقوی مخصوصاً اسمعیل خان در هرات و جنرال دوستم در شیرغان زندان های مخفی و یا غیر رسمی داشتند که اغلب رقبای سیاسی را در ان نگهداری می نمودند. در محبس هرات از ۶۰۰ الی ۷۰۰ زندانی نگهداری می گردید در حالیکه در محبس شیرغان ۳۵۰۰ زندانی وجود داشت که شامل افراد طالبان و تعدادی از پاکستانی ها بودند.

دولت انتقالی اسلامی افغانستان به صلیب سرخ بین المللی یا IRC اجازه داد تا از همه زندان های که تحت کنترول حکومت قرار دارد بازدید نموده و IRC نیز در جریان سال چنین بازدید های بعملی اورد اما جنگ ها و شرایط نامناسب امنیتی برای کارمندان خارجی قابلیت صلیب سرخ بین المللی را در نظارت بر شرایط محابس محدود ساخت.

د: بازداشت های عمدی، نگهداری در توقيف یا تبعید

قانون اساسی سال ۱۹۶۴ که توسط موافقنامه بن معنی الاجرا قرار داده شده است چنین اعمال را منع قرار داده است. ادارات حقوقی و تطبیق کننده قانون وجود داشت اما عملکرد شان در ساحات مختلف کشور فرق میکرد. در جریان سال عدالت بصورت متفاوت تطبیق می شد که در ان از مجموعه از قوانین گذشته، شریعت و دستایر محلی استفاده بعمل می امد. بازداشت های عمدی و نگهداری در توقيف از مشکلات جدی محسوب می شد. گروه های حقوق بشری گزارش دادند که پولیس محلی از مردم در بدل رهائی از زندان و یا جلوگیری از دستگیری پول بدست می اورند. پروسه تطبیق عدالت و کار کردگی پولیس از منطقه به منطقه فرق میکند. پروسه دستگیری اشخاص بمنظور اوردن شان به میز عدالت نیز تحت کدام اصول معین صورت نمیگرفت. درین ساحه نیز عملکرد از ساحه به ساحه با درنظرداشت پالیسی مقامات محلی فرق میکرد. یکتعداد مناطق به نسبت مناطق دیگر دارای سیستم قضائی منظم تری بود. محدودیت زمانی حبس قبل از محاکمه مد نظر گرفته نمی شد.

محابس شخصی یک معضله بود

قوماندان پولیس در کندهار اکرم خاطر نشان ساخت که محابس شخصی یکی از مشکلات جدی بشمار میرود. مؤسسه عفو بین المللی گزارش داد که اداره امنیت ملی افغانستان حد اقل دو محبس شخصی داشته و گزارش های تأیید ناشده وجود دارد که در نواحی اطراف کابل و صفحات شمال کشور توقيف گاه های شخصی وجود دارد. نماینده گان سازمان های بین المللی در جریان سال نتوانستند به این تأسیسات دسترسی یابند. در ماه جولای سازمان دیدبان حقوق بشر واقعی متعددی از دستگیری ها، لت و کوب ها و توقيف مردم غرض حصول پول توسط عساکر و پولیس را گزارش داده و از محدودیت محابس شخصی در کابل، لغمان، پکتیا و ننگرهار خبر داد. بر طبق همین سازمان اهالی ننگرهار و مقامات ملل متحد و حتی مقامات حکومتی گفته اند که عساکر پولیس هردم

را منظماً دستگیر نموده و به بیانه اینکه ان ها مظنون به دست داشتن با طالبان اند انها را حبس و شکنجه نموده و از خانواده های شان در بدل رهائی ان ها پول می خواهند. مقامات حقوق بشری ملل متعدد گفته اند انها اسنادی بدست دارند که مبنی دستگیری عمدى و یا غیر قانونی دهاتیان در همه ولایت ننگرهار و در ولایات مجاور کنر و لغمان است. علاوه بر این سازمان دیدبان حقوق بشر گزارش داد که معلوماتی بدست ان ها رسیده است که حاکی از دستگیری های عمدى و توقیف مردم توسط عساکر تحت فرمان وزیر فوائد عامه فعلی گل اغا شیرزی در کندهار، عطا محمد در مزار شریف، رشید دوستم در شرغان و اسمعیل خان در هرات است. حالات معمولاً خراب امنیتی سیستم عدلي قضائي را با موانع جدي موافق ساخته است.

قوانين نافذه کشور حد اعظم ميعاد توقیف قبل از محاکمه را ۹ ماه تعین کرده است اما مواردی مستند وجود داشته است که طی آن افراد الی بیش از یکسال بدون محاکمه نگهداشته شده اند، گزارشات قابل اعتماد وجود داشت که زندانیان در انتظار محاکمه شکنجه میشوند تا از آن ها بصورت جبری اقرار گرفته شود.

گزارشات متعددی وجود داشت که عساکر مربوط به عصمت الله در لغمان زنان را اختطاف و مورد تجاوز جنسی قرار داده است. در ماه های لویه جرگه اضطراری سال ۲۰۰۲ مقامات مربوط به اسمعیل خان انده کاندیدان را که از او حمایت نمی کردند بازداشت نمودند. در حالیکه چنین گزارشی حین اماده گی برای لویه جرگه قانون اساسی امسال وجود نداشت. دولت انتقالی اسلامی افغانستان در خلع سلاح مليشه ها به پیشرفت های نایل گردیده است. در ماه نوامبر به همکاری شرکای ائتلاف دولت، یکهزار نفر از جنگجویان از طریق یک پروگرام ملل متعدد موسوم به DDR سلاح خویش را در ولایت کندز بزمین گذاشتند. در ماه دسامبر تقریباً ۶۰۰ مسلح سلاح های خویش را در گردیز تحويل دادند.

دولت انتقالی اسلامی همچنان در تربیه اردوی ملی افغانستان پیشرفت نموده است. در اخیر سال گزارش های میرساند که تعداد سربازان اردوی ملی به ۵۳۰۰ نفر میرسید که یکجا با قوای ائتلاف فعالیت می کردند.

در مورد تبعید های اجباری معلوماتی در دست نبود.

د: امتناع از محاکمه علنی و منصفانه

موافقنامه بن مخصوصاً کمیسیون قضائی خواهان تأسیس یک سیستم عدلي داخلی در افغانستان متکی به اصول اسلامی، معیار های بین المللی، حاکمیت قانون و دساتیر قانونی محلی است. اما نسبت عدم موجودیت یک سیستم فعال قضائی سرتاسری در کشور، یک تعداد زیاد ادارات و مقامات

ولایتی بر تفسیری از قوانین اسلامی و دساتیر قوی اتکا می‌ورزیدند. در سال ۲۰۰۲ حکومت کمیسیون قضائی را افتتاح نموده و رئیس جمهور حامد کرزی دوزن و نماینده گان اقلیت‌های مختلف را به ان معرفی نمود. سیستم قضائی با داشتن تعليمات اندک در مسلک بکار خود ادامه داد.

اداره و تطبیق قضا از منطقه فرق میکرد و بیشتر به تمایلات مقامات محلی متکی بود. در شهر‌ها محاکم قضایی مدنی و جنائی را فیصله میکردند. بر طبق گزارشها در هر ولایت یک محکمه ابتدائی و یک محکمه عالی وجود داشت. ستره محکمه در کابل موقعیت داشت. در جریان سال تعداد قصاصات ستره محکمه از ۹ الی ۳۵ قاضی بالغ گردید. ستره محکمه هم چنان یک محکمه امنیت ملی را تأسیس نمود که قضایای مربوط به تروریزم و سائر قضایای را فیصله خواهد کرد اما ای اخیر سال واضح نبود که محکمه جدید امنیت ملی در عمل چگونه فعالیت خواهد کرد. در قضایای که شامل قتل و تجاوز جنسی میگردد به زندانیان معمولاً جزای اعدام تجویز میگردد اما اقارب شخص مظلوم یا مقتول حق دارد جبران خساره را طور دیگری ادا نماید. بر طبق گزارشات فیصله‌های محاکم نهائی بود.

گفته میشود که محاکم قضایا را در جلساتی استماع مینمود که بیش از چند دقیقه دوام نمیکرد. بر طبق ادعای سازمان عفو بین المللی بعضی از قصاصات درین محاکم تعليمات لازمه در حقوق را نداشته بناه در بیشتر موارد قضاوت خویش را بر اساس تعبیر خویش از قوانین اسلامی و بر اساس دساتیر مروجه حامی وقار در ساحات پشتون نشین متکی می‌ساخت. در مناطق اطرافی رهبران محلی و شورا‌ها منابع اساسی حل قضایای جنائی و منازعات پنداشته می‌شدند. فشار گروپ‌های مسلح، مقامات رسمی و خانواده متهم همراه با گزارشات حاکی از فساد و رشوت ستائی زیاد بی طرفی قضا را مورد تهدید قرار داده بود. ای اخیر سال دولت انتقالی اسلامی در ساحه پیشرفت نموده و موفق شد تا یک اساس قانونی را به قوه قضائی کشور ایجاد نماید اما هنوز در ساحه استخدام و تربیه تعداد کافی قصاصات خارنوالان و وکلای مدافع با چلنجهای جدی مواجه بود. اما دولت انتقالی به پروگرام‌های تعلیمی اش غرض ارتقای مهارت‌ها و قابلیت‌های پرسونل قضائی ادامه داد. یک تعداد زیادی از قصاصات در خارج از کشور تربیه شدند تا ایشان قابلیت ایجاد ظرفیت‌ها در سیستم جدید قضائی کشور را داشته باشند. بصورت عموم به متهم حق داده می‌شد تا وکیل مدافع داشته باشد و در بعضی موارد به وکلای مدافع اجازه دفاع داده شد.

در مناطق اطراف معمولاً اداره قضا بدوش بزرگان قوم بوده است. چنین ادعا میشود که انها قضایا را بر طبق قوانین اسلامی و دساتیر قبیلوی سمع می‌نمایند. در چنین حالاتی گفته میشود که متهم وکیل مدافع، ضمانت و یا استیناف را نداشت. در مناطق دورتر شورای‌های قومی حتی به مجازات شدید تر از قبیل دره زدن، کشتن با تفتگ و یا سنگساری متول میشوند. طور مثال در ولایت جوزجان بزرگان قومی یک زن را به مرگ محکوم نمودند. در نتیجه کمیسیون مستقل حقوق بشر

مداخله نموده و جزای اعدام بر زن متذکره تطبیق نگردید. سازمان عفو بین المللی گزارش داد که بعض‌اً رهبران قبایلی قضایای مربوط به قتل را طوری فیصله می‌کنند که به فامیل قاتل امر میکند تا دختر جوانی را در بدله قتل به خانواده مقتول بدهد. بر تعدادی از رهبران منطقی ظن ان میرفت که زندان‌های سیاسی دارند اما در مورد تعداد دقیق این زندانیان اطلاعی بدبست نیامد.

در قضیه عبد الله شاه که در سپتامبر ۲۰۰۲ به اعدام محکوم شد کدام انکشاف تازه وجود نداشت. شاه بحرم قتل‌های متعدد به مرگ محکوم شد ولی در جریان استغاثه کدام وکیل قانونی نداشت.

و؛ مداخلات عمدی در مسایل شخصی، خانواده‌گی، خانه، گزارش دهی

قانون اساسی ۱۹۶۴ که توسط موافقنامه بن معی الاجرا قرارداده شد چنین حکم میکند "هیچ کس بشمول دولت حق ندارد بدون اجازه صاحب خانه و یا حکم محکمه با صلاحیت داخل خانه کسی شود و یا ان را قلاشی نماید." اما گروه‌های مسلح با توسل به زور داخل خانه و محل کار مردم گردیده خانه‌ها و تجارت خانه‌ها را تاراج نموده اند. بر طبق گزارشات این افراد مسلح نسبت عدم موجودیت قوای مسؤول پولیس و یک سیستم قانونی محافظه‌کاری قربانیان بصورت ازادانه عمل می‌کردند. هم چنان معلوم نبود که چه مرجع با صلاحیتی اعمال این قوماندانانی را کنترول میکردند که در خارج از ساحه نفوذ ایساف به گزمه و گشت و گذار در شهرها و بازارها می‌پرداختند.

در شمال افغانستان قوماندانان محلی مخصوصاً لعل قوماندان جنبش، پشتون‌ها را هدف قرارداده، به اعضای انسان‌خواه فامیل توهین نموده و ملکیت‌های شان را تصاحب و خانه‌ها را تخریب نمودند. در ولایت تخار به پشتون‌ها اجازه داده نه شد تا به قریه‌های شان برگردند و در شمال کندز به پشتون‌ها اجازه داده نشد تا زمین‌های شان را زرع کنند.

گزارشاتی وجود داشت که طرفداران رهبر جنبش جنرال دوستم مردم را جبراً به صفوف نظامی جلب میکردند.

قوای حکومتی خانه‌های را که در نزدیک منازل افراد بلند رتبه و یا در جوار تأسیسات دولتی قرار داشت تخریب نموده و مردم را بدون کدام فیصله قضائی جبراً از آن جاها اخراج نمودند. در ماه سپتامبر پولیس به رهبری سالنگی قوماندان پولیس خانه‌های ۳۰ تن از اهالی را در کابل تخریب نمودند. کمیسون مستقل حقوق بشری افغانستان میگوید از ماه جون بدینظر تقریباً ۳۰۰ قضیه را تحقیق و ثبت نموده است که در آن‌ها پولیس عمداً منازل مسکونی را تخریب نموده است. مقامات پولیس در کابل زنان را بخاطر تحت توقیف نگهداشته اند که اعضای خانواده نسبت انکار زنان از ازدواج مطابق ذوق خانواده تقاضا نموده اند.

عفو بین المللی می گوید در هرات الی اخیر سال ۶۰ زن بخاطری در محبس هرات قرار داشتند که مطابق به ارزوی خانواده ازدواج نمیکردند.

۵: استعمال بیش از حد قوه و تخلف از قوانین بشر در جنگ های داخلی و خارجی

قوای دولت انتقالی اسلامی بر طبق گزارشات در جنگ بر علیه طالبان و بقایای القاعده از استعمال پیش از حد قوه کار گرفته است که شامل چپاول، لت و کوب و شکنجه افراد ملکی میگردد. تشدد و عدم ثبات کارهای امداد بشری و بازسازی مناطق مختلف افغانستان را با مشکلات موافقه ساخته و موجب تخلفات عمدۀ از حقوق بشری گردیده است. مشکلات اساسی در رساندن مواد امدادی هنوز هم لوجستیکی بوده که بخش عمدۀ ان موانعی است که در راه رساندن مواد امدادی به مناطق خیلی منزوی میباشد. جنگ و تشدد دوامدار در شمال افغانستان نیز مانع تلاش امداد رسانی میگردد. حکومت و متحدهین ائتلافی ان بر حملات خود بر پایگاه های که گفته میشود به مليشا ها تعلق دارد در جنوب افغانستان ادامه میدهدن. گفته میشود که این حملات موجب تلفات افراد ملکی نیز میگردد. بطور مثال یک حمله هوائی و زمینی قوای ائتلاف در مناطق شرقی افغانستان موجب کشته شدن ۶ طفل و دو نفر کلان سالان گردید. سخنگوی نظامی گفت: گوریلا ها درین قریه مهمات نظامی جابجا نموده بودند. قوا ائتلاف طی بیانیه تأسف خویش را ازین واقعه ابراز داشته توضیح داد که افراد ملکی در عمارتی زنده گی میکردند که توسط ترویستان مورد استفاده قرار میگرفت.

تهدید ها و تشدد برصد کارکنان مؤسسات غیر دولتی چون تهدید، اتهامات، اختطاف، حمله، قتل، تجاوز جنسی بر اعضای انان خانواده، کارکنان محلی مؤسسات متذکره و سرقت های مسلحه در جریان سال افزایش یافت. طور مثال در ماه سپتامبر دو افغان که به یک مؤسسه غیر دولتی بنام اداره داوطلبان برای بازسازی افغانستان کار میکردند در حوالی کندهار بقتل رسیدند. مؤسسه متذکره یک سازمان محلی است که در همکاری با ملل متحد فعالیت میکند.

قوای امنیتی در اخیر سال دو فرد مظنون را درین رابطه بازداشت نمود.

بتاریخ ۱۶ نوامبر افراد مسلح بتینا گویسلارد یک کارمند ۲۹ ساله فرانسوی ملل متحد را در غزنی بقتل رساندند. بعد از حمله قوا امنیتی قاتلین را دستگیر نمودند. در اخیر سال تعداد زیادی از سازمان های غیر دولتی بشمول کمشنری عالی ملل متحد برای مهاجرین کار های خویش را در مناطق مختلف افغانستان موقتاً بحالت تعليق در اورد. عقیده بر این بود که این حملات به دستیاری طالبان و بقایای ترویستان و القاعده تنظیم میگردد.

الی اخیر سال در مورد تجاوز جنسی بر یک کارمند زن یک مؤسسه غیر دولتی در مزار شریف معلومات مزیدی بدست نیامد. یک عدده والیان از مؤسسات غیر دولتی محلی مالیه می گرفند. این

مؤسسات بعضًاً مجبور می شدند در صورتیکه رهبران ولسوالی ها به مقامات مختلفه ولایتی تعلق می داشتند دو برابر مالیه پردازند. با وجود انتشار اعلامیه های متعدد مبنی بر توافق به همکاری و بهتر ساختن وضع امنیتی، رهبران گروه ها فقط توانسته اند در موارد محدودی اقدام نموده که انها تعهد اندکی در قبال داشته است.

جنگ ها در سمت شمال کشور موجب بی جا شدن متداوم پشتون ها از ولایات فاریاب، جوزجان و بادغیس گردیده است. در ماه اپریل جنگ مداوم روی تصاحب علیحدی ها میان کوچی ها و مردم محلی در بادغیس موجب هلاکت ۶۰ نفر گردید. در تخار قوماندانان محلی به پشتون ها اجازه ندادند تا به قریه های خویش مراجعت نمایند و در شمال کندز دهاقین پشتون از زرع زمین های شان منع گردیدند. در ولایت پکتیا طی منازعه روی ملکیت زمین در ماه سپتامبر ۲۰ نفر هلاک و ۴۰ نفر دیگر محروم گردیدند.

جنگ های پراکنده و بی قانونی در شمال افغانستان در تمام سال موجب مشکلات در عملیات امداد رسانی در شمال گردیده است. در جریان سال جنگ های دوامدار داخلی موجب استعمال بیش از حد قوه گردید که در نتیجه مرگ افراد ملکی، خسارات مالی و بیجا شدن مردم محلی بمبان امد. در ماه اکتوبر جنگ های داخلی و فعالیت های نظامی میان مليشا های قوماندان عطا محمد و جنرال دوستم تشدید یافت و هردو طرف به تخطی ها از قوانین بشری متهم اند.

سرانجام قواهای حکومتی و ائتلافی اتش بسی را به اجرا در اوردند. در جریان سال جنگ ها میان امام الله خان و اسماعیل خان ادامه داشته که موجب تلفات افراد ملکی گردیده است. در ماه اگست رئیس جمهور کوزی طی فرمانی اعلام داشت که یک فرد نمیتواند در عین زمان سمت های نظامی و ملکی را داشته باشد و بدین ترتیب اسماعیل خان را از سمت خویش بحیث قوماندان صفحات غرب عزل نمود. الی اخیر سال وی بصفت والی هرات باقی ماند.

تحقیقات مستقل قتل های ادعا شده نسبت عدم تمایل مقامات محلی در اجازه دادن به مستنطقین به بازدید از ساحت تحت سوال با موانع برخورد. شورای صفحات شمال (دوستم، عطا محمد، سعیدی) در سال ۲۰۰۲ اعلامیه صادر کردند که طی آن موافقت شان را به تحقیقات در مورد قبر های دسته جمعی در دشت لیلی توسط یک تیم مسلکی ملل متحد و کشور های شامل ائتلاف ابراز داشت. اما مقامات محلی گفتند امنیت تحقیق کنندگان را تضمین کرده نمیتوانند. الی اخیر سال هیچگونه تحقیقاتی صورت نگرفت. در سال ۲۰۰۲ قواهای اتحاد شمال بر طبق گزارش ها ۱۲۰ زندانی را در محبس قلعه جنگی حین انچه که گفته میشود سرکوب اشوب در زندان بود بقتل رساندند.

الی اخیر سال در مورد تحقیقات اسجاد طالبان در دشت لیلی کدام انکشاف تازه بوقوع نیوست. کارشناسان ملل متحد عالیم اعدام های فوری و مرگ های ناشی از بندش هوا را دریافتند. معلومات مؤثقی وجود داشت که هردو طالبان و اتحاد شمال از اطفال بصفت عساکر نظامی استفاده کرده اند.

ملل متحد تخمین نمود که در سرتاسر کشور حدود ۵ الی ۷ میلیون ماین ضد پرسونل و تقریباً ۷۵۰ هزار پارچه منفجر ناشده وجود دارد که اکثر آنها بقایای تعبیه شده در زمان اشغال سوری بوده است. اما یکعدد موسسات غیر دولتی تخمین زده اند که در کشور فقط کمتر از یک میلیون ماین وجود دارد. ولایاتی که بیشترین ماین ها در آن تعبیه شده است در جوار کشور های ایران و پاکستان قرار دارد. ماین های ضد پرسونل و مواد منفجر ناشده موجب مرگ و جراحت شده، اراضی تحت زرع را محدود ساخته و برگشت مهاجرین به مناطق متأثر شده از ماین را با موانع مواجه ساخته است.

سازمان صلیب سرخ جهانی تخمین نموده است که طی دو دهه جنگ در افغانستان تقریباً ۲۰۰ هزار نفر در نتیجه ماین ها کشته و یا میوب گردیده اند. در سال ۲۰۰۲ صلیب سرخ ۱۲۸۶ مرگ ناشی از ماین های زمینی را ثبت نمود در حالیکه یک تعداد زیادی از چنین مرگ ها شاید اصلاً ثبت نه شده باشد. در سال متذکره مجروحیت مردم نسبت ماین های که توسط اتحاد شمال، جنگجویان طالبان و نظامیان دوران اشغال سوری گذاشته شده اند دوام داشت. بكمک کشور های کمک کننده، ملل متحد قیم های اگاهی از ماین، کشف ماین را تربیه نموده که در سرتاسر کشور به فعالیت مصروف بودند.

تقریباً تمام مناطقی که از وجود ماین ها پاکسازی شده است بصورت عموم مورد استفاده قرار گرفته و حدود ۵،۱ میلیون مهاجر و بیجا شده گان به مناطقی برگشتند که از وجود ماین و پارچه های منفجر نا شده پاک کاری شده بود. اما با وجود این ماین ها و مواد منفجر ناشده برای سالهای زیادی بمتابه یک تهدید باقی خواهد ماند. ادارات ملل متحد و سازمان های غیر دولتی یک تعداد زیادی پروگرام های تعلیم و کمپاین اگاهی از ماین ها را برای زنان و اطفال در مناطق مختلف کشور تشکیل داده است. جنگ های مداوم و خشکسالی طولانی و شدید نیز موجب بی جا شدن های بزرگ و اجباری افراد ملکی گردیده است.

فصل دوم: احترام به ازادی های مدنی بشمول:

الف: ازادی بیان و مطبوعات

قانونی اساسی ۱۹۶۴ که در نتیجه موافقنامه بن نافذ است تا حدودی ازادی بیان و مطبوعات را تامین کرده است اما یکعدد مقامات عالیرتبه دولتی سعی نمودند تا خبرنگاران را تهدید نموده و

گزارشهای شان را تحت نفوذ خویش در اورند. تهدیدهای حکومتی و تعقیب خبرنگاران باعث جلوگیری از بحث‌های ازاد و عمومی روی موضوعات سیاسی گردیده است. گزارشاتی وجود داشت که خبرنگاران خود را خود سانسور میکردند. تمام مضماین باید مطابق شریعت اسلامی بوده و هرگاه نشریه مضمونی را که حاوی "متن ممنوعه" باشد چاپ نماید با تعلیق مواجه خواهد شد اما مطبوعات ازاد فعال بوده و نظریات مختلفه را بنحوی از نحایه به نشر می‌سپردند. حکومت حداقل ۳۵ نشریه را در اختیار دارد و همه مطبوعات بر قی در ملکیت حکومت است.

سائر نشریه‌ها بصورت پراگنده به نشرات خود ادامه داده است که اکثر به یکی از مقامات دولتی مربوط است. یکعدد از مقامات رسمی حکومت بنابر روابط با مقامات احزاب سیاسی تسهیلات مخابراتی خویش را حفظ کرده است. حکومت در جریان سال گذشته اداراتی را حفظ نمود که هدف شان وضع محدودیت بر خبرنگاران بود. اعضای ریاست امنیت ملی بر طبق گزارشها خانه‌های خبرنگاران را نشانی کرده اند که ها را تعقیب می‌کردند، از دفاتر شان بازدید بعمل می‌آورند و تهدید مینمودند که از پخش و نشر مضماین انتقادی اباورزنند.

بر طبق معلومات نویسنده‌گان بدون سرحد در حالیکه یکعدد ژورنالستان و نویسنده‌گان به نشر مجلات و اخبار ادامه می‌دادند اما توزیع شان تا حد زیادی به کابل محدود بود و اکثریت سانسور خودی می‌شدند. عملاً تعداد زیادی از مردم به حدود بیش از ۵۰ سنتیشن رادیوئی بین المللی که به زبان‌های دری و پشتو نشرات مینمودند گوش می‌دادند. رادیو های بی‌سی، صدای امریکا، رادیو ازادی و رادیو افغانستان از اراده در سرتاسر کشور شنیده می‌شد. در مناطق اطراف رادیو و تلویزیون‌های محلی تحت کنترول مسئولین همان محلات قرار داشتند.

در جریان سال خبرنگاران با تهدید، تشدد و اذیت مواجه بودند. در ماه جون پولیس سید میر حسن مهدوی مدیر مسؤول هفته نامه افتتاب و معاونش علی پیمان سیستانی را وقتی دستگیر و مورد تحقیق قرار دادند که اخبار شان مقالات انتقادی در مورد رهبران ارشد اتحاد شمال نوشته، خواهان حکومت غیر مذهبی گردیده و حالت اخلاقی رهبران انجا را مورد سوال قرار داد.

مقامات هفته نامه افتتاب را مصادره نموده و شماره‌های توزیع شده اند را بعد از گرفتاری مسئولین این از مراجع فروش در کابل دوباره جمع اوری نمودند. بتاریخ ۲۵ جون هردو ژورنالستان رها گردیدند اما اتهام‌های از قبیل توهین به دین الی اخیر سال باقی بود.

بر طبق معلومات منابع مؤوث خبرنگاران مورد تهدید و هدف ملیشا‌های مربوط به حکومت در جریان سال بوده است. طور مثال قوماندانان در گردیز و جلال اباد خبرنگاران را در صورت نشر اخبار در مورد مشکلات امنیتی ان مناطق به مرگ تهدید کردند. در ماه اپریل قوای امنیتی اسماعیل

خان وقتی یک خبرنگار رادیو را دستگیر و مورد لت و کوب قرار داد که حین مراسم افتتاح دفتر کمیسون مستقل حقوق بشر افغانستان در هرات در مورد حقوق زن سوّالاتی بعمل آورد.

در جریان جنگ های تشدید یافته اخیر سال ۲۰۰۱ تعدادی از ژورنالستان کشته شدند. در ماه اپریل ۵ فرد مظنون به اتهام دست داشتن در قتل ۵ خبرنگار در نوامبر ۲۰۰۱ دستگیر گردیدند.

گزارش های چندی در مورد ممانعت از موزیک، سینما و تلویزیون توسط مقامات حکومتی بر اساس دلائل مذهبی وجود داشت. در ماه جنوری ستره محکمه شبکه کیبلی تلویزیون را مسدود ساخت زیرا محتوای پروگرام های ان را مخالف ارزش های جامعه اسلامی دانست. بعد از تحقیقات وزارت اطلاعات و کلتور در زمینه، حکومت قیود وضع شده بر یک تعداد از چینل های کیبلی چون بی بی سی، الجزیره و سی ان ان را اسان تر ساخت اما گردانندگان شبکه های کیبلی را از نشر فلم ها و موزیک غربی منع نمود. الی اخیر سال حکومت به بحث خود در مورد اینکه به شبکه کیبلی داخلی و خارجی اجازه فعالیت دهد ادامه داد. حکومت هیچ محدودیتی در مورد ملکیت انتن های ستلاتیت توسط افراد ملکی وضع ننمود. اما مقامات محلی در شکردره و پغمان نوازنده گان و رقاصان را مورد لت و کوب قرار دادند. و هم چنان حکومت ظاهر شدن زنان اواز خوان بر پرده تلویزیون و یا امواج رادیو را منع قرار داد. اما دستگاه های تلویزیون و رادیو و سائر اقلام برقی در بازار ها از ادانه بفروش رسیده و موسیقی به پیمانه وسیعی پخش می شد. در کشور حدود ۱۵۰ مرکز تجاری و حکومتی اینترنت وجود داشت که از جمله ۱۵ مرکز آن در دفاتر حکومتی قرار داشت. وضع خراب لین های تیلفون دسترسی به اینترنت را با مشکلات مواجه ساخت است.

حکومت هیچ نوع محدودیتی بر ازادی علمی وضع ننموده است.

ب: حق تشکیل اجتماعات صلح امیز و سازمان ها

قانون اساسی ۱۹۶۴ که به اساس موافقنامه بن مرعی الاجرا قرار داده میگوید که اتباع حق دارند بدون اجازه قبلی به اجتماعات پرداخته و احزاب سیاسی تشکیل نازک امنیتی از ازادی اجتماعات و تشکیل سازمان ها در خارج از کابل را در اکثر مدت سال جداً مشکل ساخته بود. بتاریخ ۱۱ اکتوبر دولت انتقالی اسلامی افغانستان قانون احزاب سیاسی را تصویب نمود که بر اساس آن احزاب مکلف اند تا در وزارت عدلیه راجستر شده و از احزاب میخواهد که اهداف مطابق به اسلام را تعقیب نماید. در کابل یکعدد سازمان ها و احزاب سیاسی فعالیت دارد.

در جریان سال پولیس از اذیت و استعمال بیحد قوه برضد ظاهر کنندگان کار گرفت طور مثال پولیس در کابل تعداد زیادی از محصلین را که برضد خویشخوری در اعطای نمرات پوهنتون اعتراض میکردند دستگیر و لت و کوب نمودند. برضد انعدام افراد قوای امنیتی که با تسلی بزور طی سالهای ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ ظاهر کنندگان را متفرق ساخته بود هیچ اقدامی صورت نگرفت. حکومت به ازادی تشکیل سازمان اجازه میدهد اما گزارشاتی وجود داشت که در جریان سال

مقامات محلی به اذیت مردم می پرداختند. طور مثال مامورین اسمعیل خان در هرات در کارهای شورای متخصصان، جامعه روشن فکران هرات و شورای زنان هرات مداخله کرده به ازار اعضای ان مبادرت می وزیدند. در اخیر سال مؤسسات غیر دولتی و سازمانهای بین المللی شکایت داشتند که قوماندانان محلی از ان اموال امدادی که انها به کشور می اورند مالیه می گیرند.

ج : ازادی مذهب

قانون اساسی ۱۹۶۴ که توسط موافقنامه نافذ گردیده است می گوید اسلام دین مقدس افغانستان است و توضیح میدارد که احکام دینی بر طبق مذهب حنفی اجرا گردد. قانون اساسی هم چنان می گوید که شهروندان غیر مسلمان افغانستان از اند تا مراسم مذهبی خویش را در محدوده قانون مبنی بر نظم و صلح عامه اجرا نمایند. حکومت در جریان سال از تحمل مذهبی کار گفته اما رواج ها و قوانین مقتضی ان که هر کس باید به دینی تعلق داشته باشد وجود داشت.

منابعی مؤنق تخمین میکنند که ۸۵٪ نفوس کشور را مسلمانان سنی و اکثریت ۱۵٪ متباقی را شیعه ها تشکیل میدهد که اغلبًا متعلق به گروپ قومی هزاره میباشد. این گروه قومی از نگاه اقتصادی محروم ترین طبقه کشور را تشکیل میدهند. روابط میان گروه های مختلف مسلمانان در کشور پیچیده بوده است. در طول تاریخ گروه اقلیت مذهبی شیعه با تبعیض گروه اکثریت سنی مواجه بوده است. اقلیت شیعه جهت تأسیس دولت ملی مبارزه میکرد که به مثابه سائر اتباع کشور به انها حقوق مساوی بدهد یک تعداد قلیلی از سکها و هندوان نیز در کشور وجود داشتند. یک گروه اسمعیلیان در قسمت های مرکزی و شمالی افغانستان بسر میبردند. اسماعیلی ها نیز شیعه اند اما اغا خان را رهبر روحانی خویش می پندارند. چنان معلوم میشود که در هیچ گوشه کشور اجازه نامه و یا ثبت گروه های مذهبی در کار نبوده است. گروه های اقلیت کوچک مذهبی میتوانند مراسم مذهبی خویش را بجا اورند اما نمیتوانند دیگران را به دین خویش دعوت نمایند. توهین به مقدسات دینی و تبدیل دین جرم قابل مرگ پنداشته می شد. در مزار شریف در فصل بهار یک ژورنالیست توسط اخبار مربوط جمعیت اسلامی بخاطری متهم به توهین به اسلام گردید که مقاله در مورد نوعیت قانون اساسی جدید افغانستان نوشته بود. ژورنالیست ماریه سرور متهم گردید که در نوشته اش قوانین اسلامی در مورد زنان را ظالمانه توصیف نموده است. علمای محلی مذهبی توصیه کردند که این ژورنالیست باید بمrg محکوم گردد. در ماه مارچ یک محکمه محلی وی را برائت داده و ادعاهای توهین به دین برضد وی ثابت نگردید.

ان قسمت از زیر بنای تعلیمی کشور که از ۲۰ سال جنگ ساله مانده است بر دین تأکید قابل توجهی می نماید. اما بعد از سقوط طالبان مکاتب رسمی هر چند مضامین دینی داشت اما دروس مفصل دینی از جانب علمای مذهبی تدریس می شد. بر تعلیمات خانواده گی دینی هیچ نوع محدودیتی وجود نداشت. قبل از سقوط طالبان در دسامبر ۲۰۰۱ مظالم اینها برضد گروه نژادی

هزاره که اکثر آن شیعه اند از شدت خاصی برخوردار بود. هر چند مجادله میان طالبان و هزاره ها سیاسی، نظامی و مذهبی بود اما ممکن نبود کسی بصورت مؤثث ادعا کند که کمپاین طالبان برضد هزاره ها فقط با خاطر مذهب بوده است اما شکی نیست که مذهب یک عامل عمدت تعریض طالبان برضد هزاره ها بوده است.

ملیشا ها بعضًا مبلغین مذهبی خارجی و سائر سازمان های را که صیغه مذهبی داشت اذیت می نمودند. طور مثال وقتی دو کارمند مؤسسه داولطبلان احیای مجدد افغانستان در اخیر سپتامبر بقتل رسیدند طالبان اتهام وارد کردند که مؤسسه متذکره به تبلیغ مسیحیت می پرداخت. غرض تفصیلات مزید در زمینه به راپور جهانی ازادی مذهبی سال ۲۰۰۳ مراجعه شود.

د: ازادی نقل و حرکت در داخل کشور، سفر های خارجی، نقل مکان و عودت بوطن

قانون اساسی ۱۹۶۴ که تحت موافقتنامه بن نافذ بود این حقوق را برای مردان قابل شده است اما در عمل قابلیت مردم نسبت جنگ ها، راهنمی، ماین های زمینی، سرک های خراب و خدمات محدود هوائی بسیار کم بود. با وجود این موانع مردان میتوانستند با استفاده از سرویس ها بصورت نسبتاً ازادانه از طریق سرک های کشور به قسمت های بیشتر کشور سفر کنند. قانون حکم میکند که هرگاه زنی با خاطر اخذ پاسپورت مراجعه کند باید موافقه یک عضو ذکور خانواده اش را داشته باشد. در بعضی مناطق به زنان اجازه داده نمی شد که بدون همراهی با یک عضو ذکور خانواده منزل را ترک گوید.

تجارت ازاد نیز گاهی نسبت اخذ محصول از طرف قوماندانان محلی و جنایتکاران با مشکلات زیادی مواجه بوده و بعضًا آن ها سرک را می بندند.

دربوران تکسی، لاری ها و سرویس ها شکایت داشتند که افراد ملیشا و پولیس دروازه های غیر قانونی بر سرک ها گذاشته و ازان ها پول و اموال می ستانند. در ماه سپتامبر رئیس جمهور کریم فرمانی صادر نمود که بر اساس ان باید تمام موانع و دروازه ها از روی جاده ها برداشته شود اما جنگسالاران حکم وی را تا حدی نادیده گرفتند. بر طبق تخمین ها ۲۰ هزار نفر در داخل کشور از خانه های شان بی جا شده اند. هرچند در جریان سال حدود ۳۰ هزار نفر از بیجا شده گان مجددًا بخانه های شان برگشتند. در جریان سال حکومت با کمشنری عالی ملل متحد برای پناهندگان و مؤسسات غیر دولتی از نزدیک همکاری نمود تا زمینه بازگشت مهاجرین در همه نقاط کشور را مهیا سازد. در اخیر سال معلوم گردید که از مارچ ۲۰۰۲ بدینسو ۵، ۲ میلیون مهاجر به همکاری کمشنری عالی ملل متعدد به خانه های شان عودت نمودند. در جریان سال یک تعدادی از مهاجرین افغان داولطبلانه به کشور شان برگشتند. در اخیر سال کمشنری عالی ملل متعدد برای پناهندگان تخمین نمود که بیشتر از دو میلیون مهاجر افغانستان تا هنوز هم در کشور های، ایران،

پاکستان و سائر کشور های همسایه بسر میبرند. در ماه جنوری نماینده گان دولت انتقالی اسلامی افغانستان، پاکستان و ملل متحد یک موافقتنامه سه جانبی بازگشت را امضا نمودند که بر طبق آن مهاجرین افغان از پاکستان خارج خواهد شد.

زنان و اطفال ۷۵٪ نفوس مهاجرین را تشکیل میدهند. اکثریت مهاجرینی که از خارج کشور بوطن مراجعت نموده اند. در مناطق شهری جاگرین گردیده اند که زیربنای قبلاً تحت فشار شهر ها را مزیداً متاثر ساختند. هم چنان نقل مکان های مزیدی از مناطق اطراف به شهر ها نسبت خشکسالی بی امنیتی و عدم موجودیت کمک های بشری در انجا صورت گرفت. جنگ های متفرق، نگرانی های مربوط امنیتی و هم خشکسالی عده از مهاجرین را از مراجعت بوطن دلسرب ساخته است.

در مورد پالیسی های چون مهاجرین، اعطای اولین بار پناهنده گی و یا برگردانیدن اجباری مهاجرین کدام معلوماتی وجود نداشت.

فصل سوم: احترام به حقوق سیاسی: حق اتباع در تغییر حکومت

در جریان لویه جرگه اضطراری ۲۰۰۲ قدرت از حکومت موقت افغانستان به حکومت انتقالی اسلامی افغانستان بصورت مسالمت امیزی انتقال یافت. حکومت به اتباع خود اجازه داد تا حکومت شان را از طریق لویه جرگه اضطراری ۲۰۰۲ که گفته میشود ازادانه و عادلانه برگزار شد تغیر دهنده ولی گزارشاتی مبنی بر تهدید ها و مداخلات در کار لویه جرگه وجود داشت. رئیس جمهور کرزی کابینه متشکل از ۵ معاون و ۳۰ وزیر را انتخاب نمود. لویه جرگه بر سر موضوع انتخاب یک پارلمان ملی دچار اختلافات گردید. یک لویه جرگه قانون اساسی در ماه دسمبر دائر گردید و یک قانون اساسی جدید در جنوری سال ۲۰۰۴ تصویب شد. موافقتنامه بن تصریح مینماید که انتخابات باید در جون ۲۰۰۴ دائر شود. این کشور اکنون در حال اماده گی به ان قرار دارد. ۳۴۴ نماینده از جمله ۵۰۲ نماینده یا وکیل لویه جرگه قانون اساسی از جانب اهالی نواحی و یا ولسوالی ها تعین گردیده و ۶۴ نماینده زن نیز طی انتخابات دیگری که میان نماینده گان انانث ولسوالی ها برگزار شد به لویه جرگه قانون اساسی راه یافتد. رئیس جمهوری کرزی نیز ۵۰ عضو را بصورت انتسابی معروفی نمود که به این ترتیب تعداد مجموعی زنان در لویه جرگه قانون اساسی به ۸۹ زن رسید. ۴۴ نماینده از میان مهاجرین، بیجا شده گان، کوچی ها، اهل هند و سکها تعین گردیدند. درین لویه جرگه دو نماینده از معلولین نیز اشتراک ورزیده بودند.

بتاریخ ۱۵ دسمبر ۲۰۰۲ نماینده ۳۲ ولایت افغانستان مباحثات شان را بر مسوده قانون اساسی که در ماه نوامبر اعلان گردیده بود اغاز کردند. تصویب این مسوده قانون اساسی راه را برای تدویر نخستین انتخابات مستقیم این کشور که در سال ۲۰۰۴ در نظر گرفته شده است باز خواهد کرد. این مسوده قانون اساسی که توسط کمیسون قانون اساسی اعلان گردید از نظر خواهی عامه مردم و

حلقات داخل حکومت نیز گذشته است. در جریان لویه جرگه قانون اساسی اتباع کشور فرصت یافتند تا رهبران ارشد حکومتی را مورد سوال قرار دهند. اما یک عدد از مبصرین طرز رای گیری را که با تهدید همراه بود تقبیح کردند. بر طبق گزارش سازمان دیدبان حقوق بشر، مقامات حکومتی بخاطر انتخاب شدن وکلای دلخواه شان به لویه جرگه قانون اساسی به تهدید و خیانت کاری متولّ گردیدند. اما بعد ها معلوم گردید که برخی ازین گزارشها عاری از حقیقت بوده و دران از مبالغه کار گرفته بود. عده دیگر از وکلاء نسبت موجودیت اعضای امنیت ملی حکومت در میان وکلای لویه جرگه احساس خطر نمودند.

یک تعداد از وکلا یا نماینده گان به لویه جرگه اضطراری ۲۰۰۲ گفتند که انها بعد از ان تهدید شدند که در لویه جرگه برضد حضور جنگ سالاران سخن گفتند. طور مثال به سازمان دیدبان حقوق بشر در جلال اباد خبر رسیده است که حضرت علی قوماندان مناطق شرقی امر گرفتاری های را داده است که ناشی از تمایلات سیاسی بوده است.

اتباع فرصت داشتند که در جریان لویه جرگه اضطراری ۲۰۰۲ رهبران ارشد حکومتی را مورد سوال قرار دهند. فعالین سیاسی در داخل تالار و خارج تالار لویه جرگه به توزیع پوسترها و اوراق تبلیغاتی پداختند. مردان و زنان میتوانستند بطور ازادانه با هم صحبت کنند. ملل متحد تخمین نمود که ۱۲۰۰ نفر از جمله ۱۵۰۰ نماینده منتخب از جریان پروسه متذکره دیدن نمودند. بر خلاف سال گذشته حکومت از اقیت های قومی خواست تا در یک مذاکره معنی دار سیاسی با رقبای خویش شرکت نمایند.

فصل چهارم: عکس العمل حکومت در برابر تحقیقات ملی و بین المللی در مورد اتهامات واردہ نقض حقوق بشر

گروه های متعد ملی و بین المللی بصورت عموم بدون کدام محدودیت عمل کرده و کشیفات خود را در مورد قضایای حقوق بشر به نشر می سپردند. بعضی ازین گروه ها در پاکستان مستقر بوده و دفاتر فرعی شان در افغانستان قرار داشت. در حالیکه دفاتر مرکزی عده دیگری شان در داخل کشور قرار داشت. تمرکز اصلی فعالیت های شان را کمک های بشری، احیای مجدد، صحت، تعلیم و کمک در ساحه زراعت تشکیل میداد اما فقدان امنیت و بی ثباتی در صفحات شمال بر فعالیت های مؤسسات غیر دولتی دران نواحی اثرات شدید گذاشته است. در جریان سال حملات بر گروه های امداد بشری ادامه داشت. قتل دو نفر از کارکنان بین المللی امداد، تیرباران موتو های مؤسسات غیر دولتی، اختطاف قراردادیان بین المللی که بر سرک کابل-کندھار کار میکردند و حملات بر دفاتر از ان جمله حملات بودند. در نتیجه همین حملات بود که صلیب سرخ جهانی و سائر مؤسسات غیر دولتی مجبور گردیدند تا پروگرام های خویش در جنوب افغانستان را بعد از قتل ریکارد مانگویا یک کارمند مؤسسه غیر دولتی بصورت مؤقت تعطیل نماید.

یک تعداد زیاد مؤسسات جهانی غیر دولتی همچو گروه بین المللی قانون حقوق بشر و سازمان دیدبان حقوق بشری توسط اعضای افغان به پیش برد می شد که حالات در داخل افغانستان را تحت نظر داشتند.

کمیسون مستقل حقوق بشری افغانستان که یک اداره دولتی است به نقش خوبیش در جهت حل مشکلات حقوق بشری در افغانستان ادامه داد. این کمیسون از ۱۱ عضو مشکل بود. کمیسون عموماً از حکومت مستقلانه عمل کرده و از اعمال و ادارات دولتی سرخstanه انتقاد می نمود. در جریان سال کمیسون مستقل حقوق بشر ۲ دفتر در خارج از شهر کابل افتتاح نمود که هر یک عرايض ناشی از سوء استفاده از حقوق بشری را می پذيرفت و تحقيق ان را وعده داد.

در جریان سال کمیسون مستقل حقوق بشر مجموعاً ۲۵۰۰ عريضه و شکایات تخطی از حقوق بشری در همه نواحی کشور و درخواست های جهت حل ان را بدست اورد. در سال ۲۰۰۲ همين کمیسون فقط ۵۰۰ شکایت را بدست اورده بود. در مورد تحقيقات سال ۲۰۰۲ در مورد کشف قبر های دسته جمعی احتمالی کدام نتيجه بروز ننمود. عدم امنیت و ثبات در صفحات شمال و فعالیت های طالبان در جنوب شرق موجب تعطیل فعالیت های مؤسسات غیر دولتی در ان مناطق گردید.

فصل پنجم، تبعیض متنکی بر نژاد، جنس، عدم توانائی، زبان، معیوبیت و حیثیت اجتماعی

قانون اساسی سال ۱۹۶۴ که تحت موافقتنامه بن مرعی الاجرا قرار گرفت می گوید "مردم افغانستان بدونه هيچگونه تبعیض و امتیاز بر طبق احکام قانون حقوق و وجاib مساویانه دارند". در اخیر سال دساتیر محلی و رواج مربوط ان در اکثر مناطق کشور حکمفرما بود. تبعیض بر ضد زنان عام بود، اما شدت ان از منطقه تا منطقه فرق میکرد و بیشتر متنکی بر روش مقامات محلی بوده و مربوط به نظریات رهبری محلی در مورد تعلیم دختران و کار زنان بوده است.

در طول تاریخ اقلیت شیعه پیوسته از جانب اکثریت سنی با تبعیض مواجه بوده است. از انجایکه موجودیت افراد معیوب در جامعه عام گردیده است. مردم معیوب با روحیه عالی در میان جامعه پذيرفته میشود.

زنان

جوامع ملی و بین المللی خاطر نشان ساخته است که بعد از سقوط طالبان وضعیت زنان خوبتر گردیده اما تعداد زیادی از مناطق متذکره تا هنوز محلات قابل تشویش باقیمانده است. حکومت مرکزی یک تعداد زنان را به پست های کابینه و سائر وظایف گماشته اند. وزیر صحت عامه و وزیر

امور زنان نماینده زنان بوده و رئیس عمومی کمیسون مستقل حقوق بشری نیز یک زن بود. زنان در اکثر جاها مجدداً به زنده گی عامه چون تعلیم و تربیه، مواضیت صحی و تقرر به وظایف دسترسی یافتند. اما فقدان توانائی تعلیمی که در زمان طالبان بوجود امد و محدود بودن زمینه های کار هم چنان قابلیت اکثر زنان را در بهبود زنده گی خویش با مشکلات مواجه ساخته بود. بر طبق گزارش سازمان دیدبان حقوق بشر "تربیباً هر زن و یا دختریکه با وی مصاحبه شده است اظهار داشته است که در زنده گی وی بعد از سقوط طالبان بهبودی رونما گردیده است".

در جریان سال ۴۵ زن از سرتاسر کشور لایحه حقوق زنان را تسوید نمودند، این لایحه سندي است که خواهان روش متوازن و مساوی با مردان و زنان است. این کمیته هم چنان سعی کرد تا از هر ولایت دو نفر زن بتوانند به ولسی جرگه پارلمان راه یابند در حالیکه قبل از هر ولایت یک زن معرفی شده بود.

زنان بصورت فعالانه در کمیسون تسوید قانون اساسی که قبل از تدویر لویه جرگه قانون اساسی تشکیل شده بود سهم گرفتند و نیز در انتخابات ریاست جمهوری نقش فعالیت دارند. یکی از زنان مسعوده جلال اظهار داشته است که در نظر دارد در انتخابات سال ۲۰۰۴ خود را در مقابل حامد کرزی کاندید نماید. خانم جلال در انتخابات ریاست دولت انتقالی که در لویه جرگه اضطراری ۲۰۰۲ دائر گردید نیز خود را کاندید نمود اما در مقابل رئیس جمهور کرزی به ناکامی مواجه گردید. زنان هم چنان در لویه جرگه قانون اساسی بصورت فعالانه سهم گرفتند.

زنان توانستند تا بصورت ازادانه بر رهبران انتقاد نموده و بر موضوعات مربوط به زنان و مردان در لویه جرگه قانون اساسی بحث کنند. ۸۹ زن به عضویت لویه جرگه قانون اساسی انتخاب و یا انتساب گردیدند که حدود ۲۰٪ از مجموع ۵۰۲ نماینده لویه جرگه را تشکیل میداد. اما یکعدد از مقامات رسمی سعی کردند تا اشتراک کنندگان زن را مورد تهدید قرار دهند. طور مثال ملالی جویا یکی از نماینده گان ولایت فراه بخاطریکه برصد حضور رهبران مجاهدین در لویه جرگه قانون اساسی صحبت نموده بود به مرگ تهدید گردید.

وقتی ملالی این مسئله را که چرا یکعدد وکلای لویه جرگه قانون اساسی که مربوط به احزاب جهادی اند بصفت رؤسای کمیته ها تعین شده اند به بحث کشاند تعدادی زیادی از وکلای خشمگین به طرف ستیج شتافته و خواهان اخراج خانم جویا از لویه جرگه گردیدند. وی بعداً در جریانات متباقی لویه جرگه نیز بصورت فعالانه اشتراک نمود که از طرف تنظیم کنندگان لویه جرگه قانون اساسی و پولیس اناث وزارت داخله محافظت می شد. بعد ازین واقعه وی بصورت ازادانه با مطبوعات ملی و بین المللی صحبت نمود. هم چنان یکعدد دیگر زنان بخاطری همتایان شان در لویه جرگه قانون اساسی را تقبیح نمودند که مانع رسیدن ان ها بمقام های رهبری در جرگه شدند.

هر چند یک زن توانست بصفت معاون رئیس لویه جرگه قانون اساسی ایغای وظیفه نموده و مجالس زیادی را رهبری کند و دیگران نقش های مهمی را در گروپ های کاری بعهده داشتند.

بتاریخ ۲۶ جولای رئیس جمهور کمیسون انتخابات را تأسیس نمود تا رای دهنده‌گان را ثبت نموده و اقدامات مقدماتی انتخابات ۲۰۰۴ را رویدست گیرد. کمیسون م وقت انتخابات ۶ عضو دارد که ۲ نفر ان را زنان تشکیل میدهند. یک تعداد پروگرام های مخصوصی تطبیق گردید که هدف ان ها رای دهنده‌گان زن بود تا به آنها در مورد اهمیت رای دادن و اشتراک در سیاست اگهی بیشتری بدهد.

از انجایکه لا قانونیت و جنگ های پراگنده در ساحت خارج از کابل ادامه داشت تشدید برضد زنان از قبیل لت و کوب، تجاوز، ازدواج های اجباری و اختطاف ادامه داشت. این چنین وقایع اکثراً گزارش نشده و معلومات در زمینه کامل نبود. مخصوصاً با خاطر اثرات اجتماعی ان مشکل بود تا قضایای مربوط به تجاوز جنسی را بشکل مستند گزارش داد. اطلاعات در مورد تشدید داخلی و تجاوز جنسی محدود بوده است. در یک فضای پوشیده و مصون احتمال ان وجود دارد که تشدید داخلی و تجاوز جنسی برضد زنان بصفت یک مشکل جدی باقیمانده باشد.

در تمام کشور حدود ۱۰۰ زن در توقيف گاهها بسر میبرند. یک عدد زیادی ازین زنان به اساس تقاضای خانواده های شان زندانی گردیده بودند. یک عدد از آنها با خاطر این به زندان رفته اند که تقاضای فامیل شان را در مورد انتخاب همسر برای خود نپذیرفته اند. و تعداد دیگری با خاطر ارتکاب زنا در زندان بوده اند.

هر چند ارقامی در دست نیست اما دوکتوران مؤظف در شفاخانه ها میگویند که این خود کشی ها در میان دختران جوان در غرب کشور بصورت فزاینده عام میشود. در ماه سپتامبر فتوی صادر شد که بر اساس ان به خانمی که شوهرش برای بیش از چهار سال غایب باشد اجازه داده شد تا مجدداً ازدواج نماید. گزارشات مربوط به خودکشی میان زنان معمولاً به ازدواج های اجبار تعلق میگیرد. گزارشاتی وجود داشت که فعالین زن به مرگ تهدید می گردیدند.

بعیض بر علیه زنان در بعضی مناطق خیلی شدید بود. یک عدد از مقامات محلی تمام کار های زنان خارج از محدوده خانه را منع نموده بود بجز از کار های مروجه در زراعت که در بعضی مناطق توسط زنان صورت میگیرد به زنان اجازه داده نمی شد که بدون همراهی اعضای ذکور فامیل از خانه خارج شوند. رئیس جمهور کریم فرمانی صادر نمود که به اساس ان زنان اختیار دارند که چادری می پوشند یا خیر. هر چند راپور های معتبری وجود داشت که زنان و دختران جوان نمیتوانند به تنها از خانه خارج شوند و هرگاه از خانه بیرون می شوند از خوف تشدید و اذیت چادری می پوشند. اکثریت ایشان گفتند که افراد مسلح زنان و دختران را مورد هدف قرار می دادند. در ولایات ننگرهار و لغمان مقامات حکومتی نیز جنبه های دیگر اشکار شدن زنان در

خارج از خانه را تکت کنترول قرار میدادند. رادیو تلویزیون حکومتی ظهور زنان اوایل خوان را به امواج پرده ها منع قرار میداد. تحریم اهنج های زنان بر پرده تلویزیون بعد از تأسیس حکومت مجاهدین بعض حکومت کمونستی در سال ۱۹۹۲ آغاز شد.

گزارشی که توسط اداره بین المللی مهاجرت انتشار یافته است فاچاق بشری را یک مشکل فزاینده خوانده است. در فاچاق انسان ها تخطی های حقوق بشری چون کار اجباری، فحشای اجباری و استفاده سوء جنسی از اطفال شامل است. قواعد حکومتی زنانی را که ازدواج نموده باشند از شمولیت در صنوف لیسه در جریان سال باز میداشت.

وزارت معارف از همه ادیان خواسته است تا این قانون را تطبیق نماید. در جریان سال هزاران زن جوان بخاطری از مکتب اخراج گردیدند که متاهل بودند. از سید احمد سوروی معین وزارت معارف نقل قول شده است که حدود ۲ الی ۳ هزار زن بخاطر ازدواج شان در جریان سال از مکتب خارج ساخته شده اند. عامیان این قانون می گویند که این قانون دختران مجرد را از شنیدن قصه های ازدواج از زبان همسنفان متأهل شان محفوظ میدارد.

در مناطق خارج از کابل، بر طبق گزارشها مقامات محلی بر زنان فشار شدیدی وارد می ساختند تا روش و لباس خویش را بر طبق تعبیر محافظه کار اسلام و عنوانات محلی عیار سازند. حفظ الصحه یکی از مشکلات عمده زنان بود زیرا انها هنوز هم بخاطر موانع ععنوی و عدم موجودیت تسهیلات اساسی کافی صحی از دسترسی به سهولت های طبی محروم بودند. بر طبق معلومات یک مؤسسه صحی غیر دولتی موسوم به اداره ساینس صحی یا ام اس ایچ ۴۰٪ از جمله ۷۵۶ مرکز ابتدائی صحی در سال ۲۰۰۲ هیچ کارمند صحی زن نداشت و این کار مانع بازدارنده شدیدی برای زنان شده میتواند زیرا موانع فرهنگی معاینه شدن زنان توسط دوکتوران مردانه را تشویق نمی کند. همین سروی می گوید که فقط ۱۰٪ از شفاخانه های افغانستان دارای وسایلی بودند که ولادت توسط عملیات را انجام دهند. فقط ۲۹٪ از نفووس کشور به خدمات صحی دسترسی داشته و این رقم در مناطق اطراف ۱۷٪ بود. بر طبق این امار ۱۶۰۰ نفر از جمله یکصد هزار نفری که زنده تولد میشوند در همه کشور می باشند. یک کمپاینی که تحت عنوان "دوباره بمکتب بروید" از جانب وزارت معارف و متحدهن ائتلافی برای انداده شد موجب شمولیت ۴،۲ میلیون شاگرد در مکاتب گردید. مقامات یونیسف میگویند از سال ۲۰۰۲ به بعد در تعداد دخترانیکه شامل مکتب میشوند ۳٪ افزایش بعمل آمد است. ولایات جنوبی با وجودیکه شاهد صحنه های نبرد است باز هم شمولیت دختران دران جا به ۳۰٪ میرسد.

با وجود این عامل فقدان مواد درسی و نگرانی های امنیتی مانع تحصیل دختران میگردید. در برخی از مناطق کشور نسبت تشدید دسترسی به تعلیم و تربیه مشکل شده و شاگردان با تهدید حملات فریبکاری مواجه بودند.

تقریباً ۸۵٪ زنان (در شهر های) بیسواند اند و اما در قریه ها این ارقام از ۱۰۰٪ هم بالا میگذرد. حکومت با حمایت کامل شرکای ائتلاف خویش پروگرام های غیر رسمی تعلیمی را هدف قرار داده در صدر اولویت های خویش قرار می دهد.

اطفال

مقامات حکومتی محلی و ادارات بین المللی تا حد ممکن سعی کردند که رفاه اطفال را تأمین نماید. اما وضع اطفال هم چنان خراب باقی ماند. ۴۵٪ نفوس کشور را اطفال دارای سن ۱۴ سال و پایان تر از آن تشکیل میدارد. یکی از هر ۱۴ طفل از سوء تغذی شدید رنج می بود. امار هرگ و میر اطفال از هر ۱۰۰۰ طفل ۲۵۰ بود و ۲۵٪ اطفال کمتر از سن ۵ سالگی می میرند. سروی اداره علمی صحی یا MSH تصریح میدارد که فقط یک بر چهار حصه تسهیلات صحی خدمات اساسی اطفال را فراهم میسازد که از آن واکسین اطفال، مواختی قبل از ولادت، مواختی بعد از وضع حمل برای مادر و تداوی امراض دوران طفولیت شامل است. یک سروی یونسیف نیز نشان داد که اکثریت اطفال چنان وحشت زده شده اند که شاید قبل از رسیدن به سن بلوغ جان دهند. سروی میگوید ۹۰٪ اطفال مصیبت های را دیده و از اضطراب روحی رنج میبرند در حالیکه ۲۰٪ آن ها تشدید چون قتل والدین و اقارب را بچشم و سر دیده اند.

در حالیکه همه دختران در کشور میتوانستند شامل مکتب شوند ملل متحد گزارش داد که در بعضی مناطق یک نوع روحیه عدم امنیت موجود بود. از ماه ۱۰ گست ۲۰۰۲ الی ماه جون امسال بیش از ۳۰ حمله بر مکاتب پسران و دختران در ولایات غزنی، کابل، کندهار، لوگر، سوبل، وردگ، زابل، جوزجان و لغمان صورت گرفته که باعث جراحات سطحی به افراد و خسارات به تعمیرات شده اند. بتاريخ ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۷ مکتب دختران در ولایت بلخ به اتش کشیده شد. مکاتب شدیداً خساره مند گردید اما درین حملات هیچ کسی زخمی نگردید.

گزارشات مؤنثی وجود داشت که طالبان و اتحاد شمال هردو از اطفال بمثابه عساکر استفاده کرده اند. در سال های قبل اتحاد شمال سریعاً اعلام نمود که عمر عساکران ها باید از ۱۸ سال کم نباشد اما منابع مطبوعاتی خبر دادند که عساکر خورد سال در صفوف اتحاد شمال دیده شده اند. در ماه می رئیس جمهور کرزی فرمانی صادر نمود که طی آن جلب عساکر کم از ۲۲ سال را به اردوی ملی منع میکرد.

افراد معیوب

حکومت هیچگونه اقدامی در جهت حفاظت از افراد مصاب به معیوبیت روانی و جسمی ننمود و یا هیچنوع دسترسی انها را لازمی نکرد. در ماه جنوری صد ها معیوب بر ضد دولت به مظاهره

پداخته و ادعا داشتند که حکومت در جهت حفاظت ان ها کاری نکرده است. علاوهً ان ها خواهان استعفای عبد الله وردک وزیر شهدا و معیوبین گردیده او را متهم به عدم توزیع مواد امدادی خارجی در بین شان نمود. رئیس جمهوری کریزی با معیوبین ملاقات نموده و دولت انتقالی اسلامی موافقه نمود تا مدد معاش ماهانه معیوبین را از فی نفر دو دالر به فی نفر ۵ دالر ارتقا دهد.

بر طبق گزارشها پذیرش افراد معیوب در جامعه نسبت کثیر معیوبین ناشی از ماین ها و جنگ افزایش یافته است. تقریباً ۸۰۰ هزار نفر از معیوبیت که به نوعی از کمک ضرورت دارند رنج میبرند. اما کمیته های محلی صحی و بازسازی به تقریباً ۱۰۰ هزار نفر کمک نموده ولی خدمات ان ها به ۶۰ ولسوالی از جمله ۳۳۰ ولسوالی محدود ماند، بناءً ان ها به یک تعداد اندک حاجتمندان کمک می رسانند. (اعضای لویه جرگه قانون اساسی بخاطری به ۵۰۲ نفر ارتقا یافت که به دو نفر وکیل معیوب نیز اجازه شرکت داده شد).

فصل ششم، حقوق کارگر

الف: حق تشکیل اتحادیه ها

موافقتنامه بن ماده های قانون اساسی ۱۹۶۴ را در مورد حمایت از کارگران و قوانین مختلط کارگری مربوط به زمان گذشته را مورد تجدید نظر قرار داد اما تا کنون نیز در مورد قانون کار، تطبیق و تعمیل ان معلومات اندکی وجود دارد. حقوق کارگر در ماورای وزارت کار تعریف نه شده و هرگاه صلاحیت حکومتی از میان بروود مرجع دیگر برای تطبیق ان وجود ندارد. بزرگترین استخدام کنندگان در کابل وزارت خانه های حکومتی که حد اقل فعالیت را دارند و مؤسسات غیر دولتی و بین المللی بشمار می ایند.

ب: حق تشکیل اتحادیه و مناقشه دسته جمعی

قوانین کنونی با قوانین شناخته شده بین المللی حقوق کارگر در مورد تشکیل اتحادیه های ازاد تطابق ندارد. کشور فاقد داشتن دستور یک اداره خالص مناقشه کننده برای کارگران بود. هیچ گونه محکمه کارگری و یا اداره دیگری که منازعات مربوط به کارگران را حل کند وجود نداشت. مزد کارگران توسط بازار تعیین می شد و یا هم در صورتیکه استخدام کننده حکومت باشد مزد توسط خود حکومت تعیین می گردید. هیچگونه حوزه خدمات صادرات وجود نداشت.

ج منع کار یا حشر اجباری

قانون اساسی ۱۹۶۴ که بر اساس توافقات بن مرعی الاجرا قرار دارد کار و یا حشر اجباری را منع قرار میدهد که این عملیه شامل کار بر اطفال نیز میگردد. اما در مورد کار اجباری معلومات اندکی وجود دارد.

د کار بر اطفال و حد اقل مزد

بر طبق لوایح کارگری اطفال که سن شان از ۱۵ سال کمتر باشد باید در یک هفته از ۳۰ ساعت زیاد کار نکنند اما هیچگونه شواهدی وجود نداشت که مقامات در هیچ گوشه کشور قوانین کارگری مربوط به اطفال را نافذ نموده باشند. اطفال کمتر از ۶ سال معمولاً بخاطر پیدا کردن نفقة کار میکنند. در مناطق اطرافی انها به چراندن گوسفند ها می پردازنند و در شهر ها به جمع اوری کاغذ ها و چوب سوخت پرداخته، بوت ها را رنگ می کند، گدائی مینمایند و یا هم به جمع اوری پارچه های اهن از مخروبه ها می پردازنند. بعضی ازین کار ها اطفال را با خطر ماین مواجه می سازد.

حکومت انتقالی اسلامی عضو کنوانسیون ۱۸۲ سازمان بین المللی کار در مورد کار بر اطفال پیروی می کند.

۵ شرایط قابل قبول کار

بر طبق قوانین کارگری حد اوسط کار در یک هفته ۴۰ ساعت است. اما هیچ نوع معلوماتی در مورد حد اقل و یا اکثر ساعات کار در یک هفته وجود نداشت، یا هم معلوماتی در مورد تطبیق شرایط محفوظ کار در دست نبود. به اکثریت کارگران بخاطر ادائی نماز و تجلیل ایام مقدس تعطیل داده میشود. تعداد زیادی از مردم در سکتور غیر رسمی کار میکردند.

ل قاچاق اشخاص

هیچگونه لایحه بمنظور قاچاق اطفال وجود نداشت. اما در ماه نوامبر رئیس جمهور کرزی تأسیس کمیسونی را منظور نمود که بمنظور جلوگیری از قاچاق اطفال ایجاد گردیده و تعهد نمود تا یک پلان عملیاتی را بمنظور مقابله با قاچاق اطفال طرح نماید.

در سال ۲۰۰۲ گزارش ملل متحد در مورد حقوق بشری و زنان میرساند که شواهد گزارش شده در مورد قاچاق دختران افغان به پاکستان، ایران و کشور های خلیج وجود دارد. بر طبق گزارش ها یکعدد دختران در فاحشه خانه های نگهداری می شدند که توسط افغانها اداره میگردید. در مورد محل سکونت تعداد زیادی از دختران که بعضاً ای ۱۰ سال عمر داشتند و بر طبق گزارشها توسط

طالیبان قاچاق گردیده اند هیچ اطلاعی بدست نیامد. گزارش ماه جولای ملل متحده می‌گوید که یک تعداد زیاد دختران جوان در بدل قروض خانواده بفروش می‌رسیدند. گزارشاتی متعددی وجود داشت که اطفال مناطق جنوبی و جنوب شرقی به پاکستان قاچاق می‌شدند تا در فابریکه‌ها کار کنند. یونیسف به استناد گزارش‌های تائید ناشه اشاره می‌کند که زنان و اطفال در مناطق جنوبی کشور دستگیر و اختطاف می‌گردیدند.

هرچند تعقیب قاچاق کنندگان افزایش یافته است و حکومت در جریان سال توجه زیادتری را به این مسئله معطوف داشت، تعقیب مرتكبین این جرم پایدار نبوده است. در ماه اکتوبر ۴۲ قربانی قاچاق اطفال نجات داده شده و به یک پناگاه یک مؤسسه غیر حکومتی محلی انتقال داده شدند. قربانیان قاچاق اطفال مخصوصاً انانیکه غرض سوء استفاده جنسی قاچاق می‌شوند با خطر مصایب به امراض قابل انتقال توسط عمل جنسی بشمول ایدز مواجه اند. قربانیان قاچاق هم چنان با تبعیض اجتماعی مخصوصاً در محلات مسکون خویش و در داخل خانواده شان مواجه می‌شوند.